

مطبوعات خارجی

داخلی و خارجی رژیم است. ما منتظر روزی هستیم که سیاست‌های ایران تغییر و ایالات متحده از عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی حمایت به عمل آورد.

آمریکا بدون توجه به سیاست‌های ایران، همچنان آماده مذاکره با ایران است. این تمایل

نظر خوانندگان می‌گذرد.

ایالات متحده خواهان ایرانی دموکراتیک با آینده‌ای روشن برای فعالیت در اقتصاد جهانی (Global) است.

به هر تقدیر وضعیت ناهنجار اقتصاد ایران و روابط خصمانه آن با آمریکا به دلیل سیاست‌های

معرفی شورای ایران و آمریکا

منبع: واشنگتن تایمز ۸۱/۱/۹

"شورای ایران و آمریکا" که هیأت ریسه آن را رؤسا و معاونان شرکت‌های سرشناس نفت و گاز و نمایندگان مؤسسات سوخت و انرژی از قبیل "آرکو"، "شل"، "اسلند"، "بریتیش پترولیوم"، "شورون"، "کونوکو"، "اکسون" و "بانک چیس منهن" تشکیل می‌دهند، همچنین هیأت ریسه مؤسسه جمعیت آزاد تحت ریاست جورج سوروس، اعضای دیگر آن شامل شخصیت‌های برجسته‌ای است از جمله:

- رابرت پلترو، معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا،

- دونا شالالا، وزیر بهداشت و خدمات انسانی،

- سارجنت اشراپور، شخصیت مهم حزب دموکرات،

- توماس پیکرنیک، معاون امور سیاسی وزارت خارجه آمریکا،

که اکنون یکی از معاونان شرکت بوئینگ است.

- جودیت کیپر، عضو مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی.

- گری سیک، عضو پیشین شورای امنیت ملی در زمان جیمی کارتر و رییس شورای ایرانیان آمریکایی آقای هوشنگ امیر احمدی از اساتید دانشگاه راتگرز.

روز سیزدهم مارس این شورا کنفرانسی در واشنگتن برگزار کرد که یکی از سخنرانان آن "زالمای خلیل‌زاد" سفیر آمریکا در افغانستان بود.

آمریکا چه می‌گوید و از ایران چه می‌خواهد؟

زالمای خلیل‌زاد مشاور ارشد شورای امنیت ملی آمریکا، مشاور بوش در مسایل ایران و افغانستان، نماینده آمریکا در افغانستان و مشاور شرکت نفتی آمریکایی یونیکال طی سخنرانی در جلسه شورای ایران و آمریکا در واشنگتن مطالبی را بیان داشته است. گزیده‌هایی از این سخنرانی از

در کنفرانس ۲+۶ که به همت سازمان ملل برگزار شد نیز در گروه ژنو در افغانستان نشان داده شد. در حقیقت ما در یازدهم مارس به عنوان بخشی از ۲+۶ در کابل حضور داشتیم. فرمول موفقیت معروف است: پذیرفتن دگراندیشان، حکومت قانون، سیستم اقتصاد بازار آزاد، دولت با اختیار محدود و دموکراسی حقوق برابر برای همه. رسیدن به این اهداف نیازمند تمهیدات صلح آمیز و نه ترور و خشونت در مناقشات بین المللی است.

اما منافع مشترک ما و ایران، عراق را نیز شامل می شود که به خاطر سیاست های رژیم صدام حسین، ما هر دو کشور (ایران و آمریکا) را به مناقشه با آن کشاند. ما طرفدار عراقی هستیم که یکپارچه، باثبات، نماینده مردم و حامی حقوق اقلیت ها باشد و دیگر تهدیدی برای همسایگانش به شمار نرود. این امر باید منافع ایران را نیز تأمین کند.

چشم انداز گسترش روابط ایران و آمریکا

منبع: شورای ایران و آمریکا

نویسنده: جوزف بیدن

جوزف بیدن، سناتور آمریکایی که قبلاً خواستار دیدار و گفت و گوی نمایندگان مجلس ایران و آمریکا شده بود، طی سخنانی در "شورای ایران و آمریکا" گفت: ایران در قلب جغرافی سیاسی منطقه ای قرار گرفته که از دیرباز مورد علاقه امنیتی ما قرار داشته است. در شرق ایران، افغانستان، محل استقرار نیروهای آمریکا و پاکستان مجهز به سلاح هسته ای بسیار قوی و خطرناک در غرب این کشور، عراق واقع شده با رهبری خطرناک و وضعیت ناپسامان. در جنوب هم با تعدادی از متحدان آمریکا که بر روی هم دارای عظیم ترین ذخایر انرژی می باشند، هم مرز است. پس جهت گیری های آینده ایران بر منطقه و جهان تأثیر راهبردی زیادی دارد و ما نمی توانیم به اوضاع سیاسی ایران کم توجه باشیم. مواضع ما در رابطه با ایران نباید بر اساس مقابله به مثل باشد به نظر من آمریکا پنج گام اساسی در این جهت باید بردارد:

الف - دولت بوش به "سازمان های غیردولتی" اجازه دهد که از اقدامات گسترده ای در زمینه های فرهنگی، حقوق بشر و برقراری دموکراسی حمایت مالی کنند.

ب - در زمینه های مورد اشتراک مانند افغانستان و عراق باید اقدام کرده و همکاری نماییم.

ج - آمریکا باید در زمینه عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی موضع مثبتی داشته باشد.

د - با ایران به طور غیرمستقیم در زمینه حل مشکل آوارگان و قاچاق مواد مخدر همکاری کنیم. ایران در این زمینه ها هزینه های سنگینی (مالی و جانی) می پردازد.

ه - مبادلات شهروندی را ترغیب و گسترده نماییم و دیدارهای فرهنگی، تاریخی و توریستی برگزار شود.

جدال ایران و آمریکا بر سر هرات

منبع: الشرق ۱۸/۱/۸۱

نویسنده: عبداللطیف الفراتی

مجله الشرق در مقاله ای تحت عنوان "بار

دیگر ایران و آمریکا، مقاله‌ای نوشته‌است. به دلیل اهمیت راهبردی محورهای مطرح شده در این مقاله، این محورها را برای خوانندگان عزیز می‌آوریم.

جدال ایران و آمریکا بر سر هرات به چند دلیل است:

۱- استان هرات در غرب افغانستان و هم‌مرز ایران است و ساکنین آن را هزاره‌های شیعه مذهب تشکیل می‌دهد که با رهبری اسماعیل خان اداره می‌شود.

۲- این استان یگانه مسیر برای عبور نفت ترکمنستان به بنادر پاکستان و دریای آزاد است و این امر برای منافع آمریکا بسیار حیاتی است.

۳- چون مردم این منطقه به هیچ وجه طرفداران آمریکا را نمی‌پذیرند و تحت نفوذ کامل ایران هستند، بنابراین آمریکا تلاش دارد که پایه‌های قدرت اسماعیل خان و نفوذ ایران در آنجا را متزلزل کند.

۴- اسماعیل خان در این کشاکش، به نفع کشور خود، هم از ایران و هم از آمریکا استفاده می‌کند.

۵- دولت مرکزی نه چندان محکم افغانستان از آن هراس دارد که ملامحمد و بن لادن زنده باشند و هر لحظه مجدداً در صحنه حاضر شوند و آن را واژگون سازند.

لذا آمریکا با مخوف نشان دادن بن لادن و ملامحمد عمر تلاش می‌کند به دولت افغانستان بفهماند که تنها دولت آمریکاست که می‌تواند ضامن سلامت او باشد.

علل مواضع اخیر آمریکا علیه ایران

منبع: الوطن ۱۰/۱۲/۸۱

نویسنده: حسین عطوی

به نظر می‌رسد علل مواضع اخیر آمریکا علیه ایران عبارتند از:

۱- شکست نیروهای آمریکا در کار نابود کردن سازمان القاعده و طالبان و دستگیری سران آنها.

۲- تثبیت موقعیت ایران در افغانستان با کمک روسیه.

۳- تلاش آمریکا برای کشاندن ایران به جنگ.

۴- پنهان کردن تنگنایی که بوش در

افغانستان دچار آن شده‌است.

۵- سرشکن کردن شکست خود بر سر ایران با بهانه جویی‌های مختلف.

۶- درگیر کردن سایر کشورها به این جنگ با بهانه مبارزه با تروریسم آن هم با هدف تخصیص بودجه‌های هنگفتی که با رکود اقتصادی آمریکا سازگاری ندارد و فقط با تشدید فضای جنگی است که کنگره با این بودجه موافقت خواهد کرد.

۷- تحت الشعاع قراردادن رسوایی شرکت "انرون-بوش" به ریاست "کینیت لی" که بیشترین نقش را در حمایت از بوش طی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به عهده داشت گفتنی است بوش نقش اساسی را در ورشکستگی آن شرکت داشت.

۸- وارد کردن ایران بر عقب‌نشینی از مواضع خود در رابطه با فلسطین و لبنان.

۹- تأثیر گذاری در واکنش‌های درونی ایران و پدید آوردن تغییراتی به سود خود در آن.

۱۰- درگیر کردن ایران در یک جنگ برای ممانعت از تلاش آمریکا برای گسترش نفوذ خود در منطقه آسیای میانه و حوزه نفتی خزر.

ایران دشمنی در کنار آمریکا

منبع: فیلادلفیا اینکوییرر ۱۲/۱/۸۱

نویسنده: جان اتان اس. لندی

مقام‌های اطلاعاتی امنیتی آمریکا به نشریه اینکوییرر واکنشگن نمادهای حمایت ایران از تروریسم را برشمردند:

۱- عوامل اطلاعاتی و امنیتی ایران به اعضای جنبش اسلام‌گرای ازبکستان در زمینه جاسوسی در رابطه با پایگاه هوایی آمریکا در ماناس، واقع در قرقیزستان، در آسیای میانه، کمک می‌کند.

۲- کارگزاران ایرانی کمک‌های مشابهی به تندروان عربستانی هم کرده‌اند.

۳- ایران همچنان حماس و حزب‌الله لبنان را تأمین می‌کند.

۴- ایران همچنان در جهت خنثی کردن تلاش‌های آمریکا در خاورمیانه و افغانستان فعال است و اکنون سلاح و پول در اختیار جناح‌های افغانی که با حضور نظامی آمریکا در افغانستان مخالفند قرار می‌دهد.

۵- ایران همچنان به تولید سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی و هسته‌ای و موشک‌های

دوربرد با سرعت و شدت ادامه می‌دهد.

دیدگاه تونی بلر در مورد بحران خاورمیانه، حادثه ۱۱ سپتامبر، عراق

منبع: الشرق الاوسط ۲۰/۱۱/۸۱

تونی بلر پس از ملاقات با بوش در سخنرانی خود گفت:

هیچ راهی برای پایان دادن به بحران خاورمیانه جز پذیرفتن یک همزیستی مسالمت‌آمیز وجود ندارد. زیرا در نهایت نه اسرائیلی‌ها سرزمین خود را ترک خواهند کرد و نه فلسطینی‌ها.

ما در ایران نیز این تجربه را بدست آوردیم که سرکوب راه‌حل استوار کردن و ثبات و امنیت نیست، تنها راه‌حل، راه حل سیاسی است.

باید انگیزه‌های کشاکش را از بین ببریم. طرف‌های درگیر باید دو اصل را بپذیرند: یکی حق موجودیت اسرائیل با برخورداری از امنیت و بدون تهدید جهانی و دوم برابری یک کشور مستقل فلسطینی همراه با آتش بس فوری.

علیرغم میل اسرائیل دخالت خارجی برای نظارت و برپایی آتش بس ضروری است. پیشنهاد صلح امیر عبدالله بسیار خوشایند است. ما از تجربه ایرلند آموختیم یک دیدگاه فراگیر برای برپایی صلح لازم است.

جریان یازده سپتامبر به ما ثابت کرد که ما به همدیگر نیاز متقابل داریم. ولی باید خطر فراموشی رویداد یازدهم سپتامبر را هشدار دهیم زیرا مردم معمولاً بدترین فاجع را هم به پشت سر می‌نهند و خاطره‌های دردناک را فراموش می‌کنند. ما هنگامی که با مسأله تهدید جنگ افزارهای کشتار جمعی روبرو هستیم باید آماده انجام هر کاری باشیم.

این تلاش اگر لازم باشد باید همچنان با سرشت نظامی ادامه یابد. پیش از این در سه نبرد موفق شرکت کردیم و این مایه رضایت و سربلندی ماست. سه نبردی که به تغییر نظام آن کشورها منجر شد نظام میلووشویچ، طالبان، سیرالئون.

البته ما نمی‌توانیم در همه شرایط دخالت کنیم. هولی در مورد کشورهایی چون ایران، سوریه، کره برای بیرون رفتن از تنگنا راه‌حلی خواهیم داد که به تغییر ریشه‌ای روابط خود با جهان خارج نیاز دارند و این تغییرات موجب عزت آن کشورها

خواهد بود.

من تأکید می‌کنم که هنوز زمان بر خورد با نظام حاکم در عراق فرانرسیده است ولی اجازه تولید سلاح‌های کشتار جمعی را نمی‌دهیم. صدام باید اجازه دهد بازرسان بین‌المللی - هر که باشند و در هر زمان و مکانی که باشند - بر سر کار خود بازگردند.

موضع بوش در تقویت محافظه‌کاران

منبع: شورای ایران و آمریکا ۸۰/۱۲/۹
کنت کنزمن، کارشناس خاورمیانه در سرویس پژوهشی کنگره آمریکا گفت: خطر ایران بسیار ملموس‌تر از عراق است و ما نگران هستیم که عناصر سرسخت در مبارزه بر سر قدرت بیشتر تقویت شوند. بخصوص که جرج بوش با موضع‌گیری اخیرش علیه ایران وضعیت را به نفع جناح محافظه‌کار بغرنج‌تر کرد.

آمار معتادین در ایران

منبع: لوموند دیپلماتیک فروردین ۸۱
نویسنده: سدریک گوورنو
طبق آمار سال ۲۰۰۰ سازمان ملل، ایران دارای ۲/۸ درصد معتاد به هرئین و تریاک بود، در حالی که این ارقام همچنان رو به افزایش است. آمار معتادین در لاتوس ۲/۸ درصد، تاجیکستان ۲ درصد و پاکستان ۱/۷ درصد می‌باشد.

بن لادن کجاست؟

منبع: تاکس ساینونگ ۸۰/۱۲/۱
دولت تفلیس غیرمستقیم تأیید کرد که مبارزان بن لادن در دره‌ای واقع در حاشیه مرزهای چین پنهان شده‌اند. در این مکان، گروه‌های مسلح چین نیز فعال هستند.

اشغالگری اسرائیل و ضرورت روشننگری افکار عمومی آمریکا و غرب

منبع: الشرق الاوسط ۸۱/۱/۱۸
نویسنده: فهمی هویدی
برنامه‌های اسرائیل در خلأ حضور مسلمانان برای تأثیر هر چه بیشتر بر افکار عمومی آمریکا:
۱- برنامه پاکسازی وزارت امور خارجه آمریکا (از مخالفان اسرائیل) از سی سال پیش (از زمان

کی‌سینجر) آغاز شد. هر موردی که در خاورمیانه پیش آید طرفداران اسرائیل در وزارت خارجه نظر نهایی را می‌دهند.

۲- جنایت صهیونیستی کردن افکار عمومی آمریکا و باوراندن این نکته که اسرائیلی‌ها خود قربانی "تروریسم" هستند بسیار موفق عمل کرده است.

۳- هیأت‌های اسرائیلی بر عکس اعراب هنگام دیدار از کشورهای غربی علاوه بر ملاقات رسمی اهمیت بسیار زیادی برای دیدار با روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها قایل هستند و با مراکز پژوهشی و علمی فرهنگی ملاقات‌هایی دارند.

۴- سیاستمداران غربی و آمریکایی نگاه دائمی به افکار عمومی دارند زیرا حیات سیاسی خود را مدیون رأی رأی‌دهندگان می‌دانند. حتی نوارهای ویدئویی در سطح سفارت‌ها پخش می‌شود که مخاطبان خود را گسترده و همه‌را تحت سلطه خود داشته باشد.

سیاست‌های کشورهای مسلمان:

۱- بی‌توجهی به افکار عمومی مردم غرب و آمریکا و در مقابل تهجمات تبلیغاتی تسلیم‌شدن به حاشیه‌قرار داده شدن و کوتاهی در دفاع از خود.
۲- هیأت‌های ملاقات‌کننده در سفر خود صرفاً به یکسری ملاقات‌های از قبل تعیین شده و رسمی‌بی‌حاصل و بی‌نتیجه می‌پردازند و هیچ‌گونه برنامه‌ای برای دیدار از رسانه‌های گروهی و خبرنگاران ندارند.

۳- ناهماهنگی در اعزام هیأت‌ها نیز از عوامل بحران آفرین می‌باشد. هیأت‌های کشورهای مسلمان با یکدیگر مواضع ناهماهنگی دارند و سازمان "آموزش و علوم و فرهنگ اسلامی" "ابسیسکو" را که از طرف وزرای امور خارجه کشورهای مسلمان برای هماهنگی و برنامه‌ریزی برنامه گفت‌وگوی تمدن‌ها انتخاب کرده بودند پس از یازده سپتامبرها کرده خود کشورها جهت گفت‌وگو با دیگران فعالیت کردند.

ابتکار عبدالناصر و پیشنهاد نویسنده:

هنگام تجاوز سه کشور به مصر در سال ۱۹۵۶ که در آن اسرائیل با همکاری انگلستان و فرانسه جنگ نابرابری علیه مصر به راه‌انداختند و در بندر پورت سعید فجایی توسط اشغالگران انگلیسی به وجود آوردند، از این فجایع

تصور بر برداری شد. عبدالناصر دو شخصیت مصری را که با نخبگان اروپایی روابط مناسبی داشتند مأمور کرد که تصاویر یادشده را میان نشریات فرانسه و انگلیس توزیع کنند. یکی از آن دو نفر استاد مصطفی امین روزنامه‌نگار معروف بود که با هواپیمای اختصاصی پرواز کرده و تصاویر را در مطبوعات فرانسه و انگلیس منتشر ساختند. این کار چنان تأثیر عظیمی بر جای گذاشت که در میدان بزرگ لندن تظاهرات عظیمی به راه افتاد و مردم خواستار استعفا "آنتونی ایدن" نخست‌وزیر وقت انگلیس شدند و موفق هم شدند.

پیشنهاد این است که:

- نوارهای ویدئویی که توسط کانال‌های "الجزیره" و "بوطنی" از فجایع در کرانه باختری ضبط شده و ما مشاهده کردیم، در همه پایتخت‌های غربی و آسیایی به‌طور کامل توزیع و پخش شود.

- از طریق کانال‌های تلویزیونی که وقت گرفتن از آن‌ها برای نمایش بسیار آسان است، حتما باید در برنامه قرار گیرد.

- سفارت‌ها و مراکز اسلامی که نوارهای محکومیت تروریستی توسط روحانیون را پخش می‌کنند باید در این امر مهم یاری برسانند و علاوه بر افزایش این فجایع به اشغالگری اسرائیل به عنوان مشکل اصلی بپردازند.

مقایسه عملیات آمریکا با عملیات روسیه

در افغانستان

منبع: نزواسیما یا گازتا ۸۱/۱/۱۱

نویسنده: ولادیمیر کوچکف

۱- در حالی که هدف شوروی سرنگونی رژیم حاکم و برداشتن حیضاالله امین بود، هدف آمریکا سرنگونی رژیم طالبان و دستگیری یا نابودی بن لادن بود. برکناری امین از طریق عملیات ویژه با ۶۵۰ نفر انجام گرفت و کل عملیات در حدود ۲ ساعت طول کشید که طی آن، امین و سیصد نفر از محافظین او کشته شدند و ۱۷۰۰ نفر اسیر شدند. و فقط ده نفر از افراد عملیات ویژه کشته شدند. گفتنی است در طول ماه‌های نخستین، تمامی عملیات مقاومت مسلحانه نیز سرکوب شد.

اما عملیات نظامی آمریکا با نیروهای متشکل از نیرویی حدود ۴۳ هزار نفر از نیروهای

ویژه و بیست هزار نفر مرکب از نیروهای زمینی، هوایی، دریایی شروع شد. هدف این عملیات از بین بردن بن لادن بود که موفق هم نشد. ارقام واقعی تلفات هم هنوز با دقت از سوی فرماندهی آمریکا مخفی می‌گردد. آمریکا موفق شد پس از دو ماه دولت موقتی بر سر کار آورد و سران طالبان و القاعده مخفی شدند! و آمریکا به هدف نخست خود دست نیافت.

۲- دولت روی کار آمده توسط شوروی، از میان مردم و در کشور افغانستان بود حال آن که دولت موقت در بن تشکیل شد و از لحاظ مردمی بودنش با دولت ببر کارمل فاصله دارد.

۳- مقاومت مسلحانه در مقابل دولت کارمل پس از دو ماه آشکار شد، اما در برابر آمریکا مقاومت‌های ایالتی و قومی هنوز معلوم نیست ظاهر نشود.

۴- شوروی موفق شد ارتش افغانستان را حفظ کند ولی آمریکا حتی پس از چند ماه موفق به تأسیس آن هم نشده است. از طرف دیگر وجود دسته‌جات متعدد سیاسی و قومی در دولت موقت افغانستان سیاست خارجی آن را هم دچار مشکل خواهد کرد.

دوست آری، تابع نه

نویسنده: رودلف آگشتاین

منبع: اشپیگل ۲۰۰۲/۹

پرزیدنت جورج دبلیو بوش با لجاجت به تکرار بیان اندیشه‌های جنون آمیز خود ادامه داده و ایران، عراق و کره شمالی را با یک چشم نگریسته است. با این معنا که در این محدوده‌ها یک "محور شرارت" می‌بیند.

وزیر خارجه فرانسه لورن فابیوس Fabius معتقد است: ایالات متحده آمریکا از درک این واقعیت عاجز است که برای تضمین آینده افزایش کمک‌های خارجی به کشورهای در حال توسعه غیرقابل انکار است. (فابیوس) می‌گوید که او پاره‌ای مواقع احساس می‌کند که آن‌ها (آمریکایی‌ها) تصور می‌کنند ملت‌های فقیر خود خواستار فقر و ناتوانی اند.

رییس دولت اسپانیا و رییس فعلی اتحادیه اروپایی خوزه ماریا - آزنا (Jose Maria Azner) نیز معتقد است: این یک فرصت تاریخی است تا اروپا و آمریکای شمالی اتحاد خود را از نو با هم

تطبیق بدهند." و درست همین مطلب است که آمریکایی‌ها آن را درک نمی‌کنند.

کالین پاول وزیر امورخارجه آمریکا که بالاترین رتبه نظامی در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس را داشت و چندی پیش حمله به عراق را مؤثر نمی‌دانست، اکنون اروپایی‌ها را سرزنش می‌کند که آن‌ها نباید از ایالات متحده آمریکا انتقاد کنند، بلکه رژیم دیکتاتور بغداد را بایستی مورد مؤاخذه قرار دهند.

او که در پشت میز مذاکره پذیرفته بود، که حلقه‌های زنجیر اتحاد ضد تروریسم اگر بدون موافقت اروپایی‌ها به عراق حمله شود از هم خواهد پاشید. اکنون می‌گوید که حمله به عراق بدون توافق اروپایی‌ها امکان پذیر است.

انگلیسی‌ها هم، که خود را اروپایی نمی‌دانند، و وامدار آمریکا در جنگ فالکلند (Falkland) یا مالونیا (س) هستند، نه مورد اعتماد اروپا هستند و نه ایالات متحده آمریکا.

مسئول امنیت و سیاست خارجی اتحادیه اروپا خاویر سولانا می‌گوید: "محور شرارت اصطلاحی نیست که اروپا از آن حتماً استفاده کنند." اگرچه نباید به خاطر انتخاب اصطلاحات متوقف شد.

اما دقیقاً روی انتخاب اصطلاحات باید مکث و تأمل کرد. شرارت در سیاست در واقع یک اصطلاح غیرقابل کابردی است. مانی که بانی دین مانیسیم است در دوران تمدن قدیم این اصطلاح‌ها را به کار گرفت. او تصور می‌کرد که نور و تاریکی، نیکی و شرارت، روح و ماده به صورت قهر آمیزی در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. اما این فقط ایالات متحده است که از زمان کشتار سرخپوستان بدون تصور و خود دشمن قابل توجهی قادر به ادامه حیات نیست.

چند هفته قبل جورج دبلیو بوش اعلام کرد، که مصمم است دولت جدیدی را در بغداد مستقر کند و برای تشکیل یک کشور فلسطینی هم تصمیم قطعی گرفته شده است. اما اعتراض‌های اورشلیم باعث عقب‌نشینی وی شد.

اگر بوش می‌خواهد از جنگ تمدن‌ها که مدت‌هاست درباره آن صحبت می‌شود، جلوگیری کند،

اجازه ندارد ایران را به زور در کنار صدام حسین قرار دهد.

جیم هوگلند (Jim Hoagland) از واشنگتن پست معتقد است که بوش اندیشه جنگ‌های طولانی را در سر می‌پروراند.

هوگلند ضمن انتقاد از بوش می‌گوید: از پرزیدنت انتظار می‌رفت که تحولات جهانی را دنبال کند نه این که بخواهد دنیا را با امریه تغییر دهد.

اگر مسأله فقط بر سر اختلاف نظرها بود، حل مسأله آن قدرها سخت نبود. ما می‌توانستیم یا اختلاف سلیقه را بر طرف کرده و یا به سمت یک سازش پیش برویم. اما سیاستمداران آمریکایی و بلکه نه فقط این خصلت آمریکایی است که ما تا پایان بشریت قادر به تغییر آن نیستیم. برای سیستم حقوقی ایالات متحده قابل تصور نیست که در هیچ جای دنیا دشمن قابل ملاحظه‌ای برایش وجود نداشته باشد. چه کسی می‌توانست ده سال پیش تصور کند که ایالات متحده به خود اجازه دهد افراد درگیر جنگ داخلی افغانستان را به آن طرف اقیانوس بکشد و آن‌ها را از تمامی حقوق قانونی محروم کند؟

آن‌ها در محیطی خارج از حاکمیت هر قانونی در حال مرگ تدریجی اند. به خاطر این که (آمریکا) نمی‌خواهد در یک دادگاه رسمی در داخل آمریکا از آن‌ها طرفداری و یا حمایت شود. اگرچه آمریکا دایماً تأکید می‌کند که در حال جنگ است، اما قابل به حقوق قانونی اسرای جنگی برای این افراد که هنوز هم در مظان اتهام قرار دارند، نیست.

بالاخره یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان و نزدیکترین دوست آمریکایی‌ها در دولت فدرال (اگرچه دیر هنگام به خود آمد)، آمریکایی‌ها را "کوتاه نظر نظامی در مسایل امنیتی" دانست. به عبارت دیگر او می‌خواهد بگوید که برای تسلیحات پیشرفته نظامی و کمک به کشورهای در حال توسعه پول کافی در اختیار نیست. لذا جانبداری محدود می‌شود... یوشکا فیشر می‌گوید "اعضای یک اتحاد، به منزله اقمار (یک عضو) نیستند."

